بسم الله الرحمن الرحیم

معرفت انتظار

انگیزه سازی

مرحوم آیت الله سید محمد باقر مجتهد سیستانی (رحمة الله علیه) پدر آیت الله سید علی سیستانی (حفظه الله)، تصمیم می‌گیرد برای تشرّف به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چهل جمعه در مساجد شهر مشهد زیارت عاشورا بخواند. در یکی از جمعه‌های آخر، نوری را از خانه‌ای نزدیک به مسجد مشاهده می‌کند. به سوی آن خانه رفته و می‌بیند حضرت ولی عصر، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف دارند و در میان اتاق جنازه‌ای قرار دارد که پارچه‌ای سفید روی آن کشیده شده است. ایشان می‌گوید:

هنگامی که وارد شدم اشک می‌ریختم و در همان حال سلام کردم، حضرت به من فرمود: «چرا اینگونه به دنبال من می‌گردی و این رنج‌ها را متحمّل می‌شوی؟! مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من به دنبال شما بیایم.»

بعد فرمودند: «این جنازه‌ی بانویی است که در دوره کشف حجاب (در زمان رضا خان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامد تا چشم نامحرم به او نیفتد.»[[1]](#footnote-1)

آری! بسیاری از شیعیان و محبین اهل بیت (علیهم السلام) و شیفتگان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت طولانی آن حضرت، در فراق ایشان اشک‌ها ریخته و روزها و شب‌های فراوانی را به دعا و نیایش و مناجات سپری کرده‌اند، اما در این میان، برخی از منتظران ظهور، هدف اصلی را فراموش کرده و در فهم معنای صحیح انتظارِ آن حضرت دچار اشتباه می‌گردند و به جای آنکه با رفتار و گفتار خود، مقدمات ظهور آن حضرت را فراهم سازند، فقط به دنبال دیدار جمال نورانی آن حضرت می‌گردند، که اگر چه خود سعادتی بسیار والاست، اما در مقابل جلب رضایت ایشان و پیروی واقعی از دین و آیین اسلام، قطره‌ای در مقابل دریاست. زیرا تلاش اصلیِ امامان معصوم (علیهم السلام) و تحمل سختی‌ها و مشقت‌ها و زندان‌ها و شهادت‌ها از سوی آن بزرگواران، برای حفظ آیین الهی و دین جدّشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است.

از این رو ضروریست تا منتظرین حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فهم و معرفت خود نسبت به معنای انتظار را بالا ببرند تا بتوانند در زمره‌ی آن منتظرانی قرار گیرند که امام سجاد (علیه السلام) درباره آنان می‌فرماید:

مَنْ ثَبَتَ عَلَى وَلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ.[[2]](#footnote-2)

هر آنکس که در زمان غیبت امام قائمِ ما (اهل بیت)، در راه ولایتِ ما ثابت قدم بماند، خداوند (عز و جل) اجر و پاداش هزار شهید به مانند شهدای بدر و اُحد به او عنایت می‌کند.

اقناع اندیشه

شاید نتوان معنای دقیق و کاملی از کلمه‌ی انتظار بیان نمود، اما با دقت در این کلمه می‌توان نکاتی چند را متوجه شد، از جمله آنکه فردِ منتظر، به نوعی از شرایط و وضع موجود راضی نیست و چشم به راه فرد خاص یا فرصتی خاص برای تغییرِ وضع موجود می‌باشد. بنابراین تمام منتظران ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از شرایط موجود در زمان خود ناراضی بوده و به نوعی در صدد اصلاح ریشه‌ای و اساسی آن هستند.

اما تمام مسئله در همین جا بوده و کیفیت انتظار افراد، بستگی به همین نکته‌ی اساسی دارد. یعنی باید ببنیم نارضایتی ما از چه چیزی نشأت گرفته و هدف اصلی ما از ظهور آن حضرت چه می‌باشد.

از آنجایی که بر طبق روایات واصله از ناحیه‌ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، انتظار فرج در زمان غیبت، نوعی عبادت و بلکه برترین و بالاترین اعمال امت اسلام است، «اِنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) قَالَ: أَفْضَلُ‏ أَعْمَالِ‏ أُمَّتِي‏ انْتِظَارُ الْفَرَج‏»[[3]](#footnote-3)؛ پس می‌بایست این انتظار به گونه‌ای در راستای جلب رضایت الهی و تحقق اهداف خداوند متعال در میان بندگان باشد تا بتواند به عنوان عبادتِ خداوند محسوب شود.

با در نظر گرفتن مقدمات فوق، می‌توان انتظار فرج را به چند مرتبه و درجه تقسیم نمود که هر کدام فضیلتی متفاوت از دیگر درجات انتظار را دارا می‌باشند و ملاک اصلی در تعیین این درجات و مراتب، نیت و هدف افراد از این انتظار می‌باشد، همانگونه که در حدیثی مشهور، ارزش هر عملی را منوط به نیت از آن عمل نموده‌اند. «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ‏ بِالنِّيَّاتِ‏ وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى‏»[[4]](#footnote-4)؛ (همانا عمل‌ها به نیت‌ها (وابسته) هستند و هر کس بر طبق آنچه قصد نموده بهره‌مند می‌گردد.)

1. **مرتبه اول**: اولین مرتبه آن است که فرد از ظلم و ستم‌هایی که به شخصِ او و خانواده‌اش شده است، به ستوه آمده و تنها راه رهایی از این ستم‌ها را در پناه بردن به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دعا برای ظهور ایشان می‌بیند. در نگاه چنین مؤمنی، ریشه‌ی ظلم‌هایی که به او شده و می‌شود، در اثر بی‌ایمانی و فساد موجود در جهان است و جز از طریق انقلاب جهانی حضرت حجت (علیه السلام)، چنین ظلم‌هایی قطع نخواهند شد.
2. **مرتبه دوم**: در این مرتبه، انسانِ مؤمن به دنبال حل مشکلات برادران ایمانی خود می‌باشد، اما با بی‌عدالتی‌ها و بی‌دادهای متعددی در همه‌جا مواجه می‌شود که برای رفع آنها کاری از دستش ساخته نیست و تنها راه نجات جامعه‌ی شیعه و یا حتی مسلمانان را در ظهور آن حضرت مشاهده می‌کند. طبیعتاً دغدغه و انگیزه‌ی چنین فردی والاتر و مقدس‌تر از انگیزه در مرتبه قبل می‌باشد و در نتیجه انتظار فرج نیز برای او پاداش و آثار برتری را به همراه خواهد داشت.
3. **مرتبه سوم**: اینکه مؤمن برای رفع گرفتاری از تمام مظلومین و مستضعفان جهان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، تلاش کرده و می‌کوشد، اما به این نتیجه می‌رسد که جز با هدایت و رهبری امام معصوم (علیه السلام) نمی‌توان مردم جهان را از جهالت و از ستم به خودشان و دیگران بازداشت. بنابراین دست به دعا برداشته و برای ظهور منجی عالم دعا می‌نماید تا خداوند به این وسیله، بندگانش را از دام‌های شیطان رهایی بخشیده و از تاریکی جهالت به سمت نورِ هدایت رهنمون شود.
4. **مرتبه چهارم**: آخرین مرتبه، و بالاترین رتبه آن است که انسان مؤمن، از باب آنکه ظهور و فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرج تمام پیامبران و امامان (علیهم السلام) می‌باشد، و از باب آنکه اراده‌ی الهی و خواسته و دعای تمام فرشتگان، ظهور امام قائم (علیه السلام) است، و از باب آنکه این غیبتِ طولانی، بیش از همه برای خود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دردناک و عذاب‌آور است، هر روز در تلاش برای مقدمه‌سازیِ ظهور آن حضرت و مشغول دعا برای تعجیل در امر ظهور می‌باشد. همانگونه که **در تشرّف یکی از علماء به محضر امام زمان** (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**، آن حضرت فرموده‌اند: «به آنان (شیعیان) بگو که برای فرج من دعا کنید تا خدا مرا از زندان غیبت نجات دهد.»**[[5]](#footnote-5)

نکته‌ی دیگری که در این میان قابل تأمل می‌باشد، این است که چگونه بسیاری از ما شیعیان ادعای آن را داریم که منتظر ظهور آن حضرت و تشکیل حکومت عدل به دست ایشان می‌باشیم، در حالی که در زندگی خودمان به صورتی آگاهانه، به انواع گناهان شخصی و اجتماعی آلوده می‌شویم؟

آیا شخصی که اهل ربا گرفتن و تعدی به اموال مردم است، می‌تواند مدعی انتظار حکومتی باشد که دست متجاوزین به اموال مردم را کوتاه خواهد نمود؟

آیا کسی که از پرداخت صدقات واجبی که بر عهده‌اش گذاشته شده امتناع می‌ورزد، می‌تواند مدعی انتظار حکومتی باشد که در آن حکم به قتل افرادی می‌شود که با وجود تمکن مالی، از پرداخت زکاتِ واجب امتناع می‌ورزند؟[[6]](#footnote-6)

آیا کسی که با ندادن خمسِ اموالش، در مال امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدون اجازه تصرف می‌نماید، می‌تواند ادعای آن را داشته باشد که حاضر است جان و مال خویش را فدای حضرتش کند؟ و حال آنکه در توقیع شریفی که به وسیله‌ی نایب دوّم، محمد بن عثمان از امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است، آن حضرت در مورد خمس که باید به فقیه جامع الشرایط پرداخت شود، می‌فرمایند: «کسی که آنچه را از اموال ما در دست اوست حلال می‌داند و بدون اجازه‌ی ما در آنها تصرف می‌کند، همانند تصرفی که در مال خود می‌کند، ملعون است و در روز قیامت از دشمنان ما محسوب می‌گردد‌.»[[7]](#footnote-7)

آنچه علمای بزرگ شیعه بر آن اتفاق نظر دارند این است که انتظار فرج عاملی برای رکود جامعه شیعه و به معنای دست روی دست گذاشتن و انفعال از شرایط جهان و پذیرفتن ظلم و ستم از ناحیه‌ی ستمگرانِ تاریخ نیست، بلکه عاملی محرک و فعال کننده است تا جامعه را رو به رشد و تعالی حرکت دهد.

همانگونه که فردی منتظرِ میهمان، بیکار ننشسته و با تمیز کردن خانه و مهیا کردن لوازم پذیرایی، خود را آماده‌ی حضور میهمان می‌کند، منتظرِ ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز باید نهایت تلاش خود را به کار ببندد تا شرایطی مساعد با حکومت جهانی حق ایجاد گردد. زیرا بنای خداوند متعال بر آن نیست که بخواهد از طریقِ معجزه‌ی صِرف، حکومت را در اختیار پیامبران و امامان (علیهم السلام) قرار دهد. آنگونه که در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده: «أَبَى‏ اللَّهُ‏ أَنْ‏ يُجْرِيَ‏ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ»[[8]](#footnote-8) (خداوند پرهیز می‌کند از آنکه امور را به غیر از مسیر اسباب (و واسطه‌ها) جاری نماید.)

در مورد حکومت حضرت سلیمان (علیه السلام) نیز علاوه بر آنکه جهانی بودن آن حکومت بسیار بعید به نظر می‌رسد، بر طبق قرآن کریم، حکومتی استثنایی بوده و قرار نیست دیگر تکرار شود. «قالَ رَبِّ اغْفِرْ لي‏ وَ هَبْ لي‏ مُلْكاً لا يَنْبَغي‏ لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدی»[[9]](#footnote-9)؛ (گفت: پروردگارا، مرا ببخش، و به من حكومتى (به نحو اعجاز) عطا كن كه براى احدى بعد از من سزا نباشد.)

علاوه بر آنکه اگر قرار بود صِرفاً با معجزه و اراده‌ی تکوینی خداوند، حکومتی در اختیار ائمه‌ (علیهم السلام) قرار گیرد، از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیر المؤمنین (علیه السلام) چنین اتفاقی می‌افتاد و آنهمه ستم‌ها بر اولیاء خداوند روا نمی‌رفت، و آنهمه مؤمنین به ذلت و سختی نمی‌افتادند.

بنابراین منتظران ظهور حضرتش، نمی‌توانند فقط نقش تماشاچی را داشته باشند، زیرا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِم»[[10]](#footnote-10)؛ (خداوند سرنوشت هيچ قوم (و ملّتى) را تغيير نمى‏دهد مگر آنكه آنان آنچه را در خودشان است تغيير دهند!)

بلکه مؤمنین و منتظرین واقعی باید دائماً در حالت آماده‌باش به سر برند. در فرازهای دعای عهد نیز این حالت آمادگیِ دائم به تصویر کشیده شده است: «اللَّهُمَ‏ إِنِّي‏ أُجَدِّدُ لَهُ‏ فِي‏ صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَداً»[[11]](#footnote-11)؛ (پروردگارا، در صبحگاه این روز و در تمام روزهای گذشته‌ام، عهد و پیمان و بیعت با او را که بر عهده‌ام است، تجدید می‌نمایم، و از آن باز نمی‌گردم و آن را از بین نمی‌برم.)

پس مبادا همان اشتباهی که برخی از یهودیان بنی‌اسرائیل به آن دچار شدند را مرتکب شده و این تصور غلط برای ما ایجاد شود که گروهی برگزیده هستیم و به صِرف وجود محبت اهل بیت (علیهم السلام) در قلبِ ما و صِرف ادعای انتظارِ منجی جهان، در نزد خداوند از برترین بندگان محسوب شده و مستحق بهشت برین گردیده‌ایم و دیگر هیچ مسئولیتی در راستای برچیدن فساد از درون خود و اطرافیان و جامعه‌ی خویش نداریم.

أمیر المؤمنین، حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فَلَا مُنْكِرٌ مُغَيِّرٌ وَ لَا زَاجِرٌ مُزْدَجِرٌ أَ فَبِهَذَا تُرِيدُونَ أَنْ تُجَاوِرُوا اللَّهَ فِي دَارِ قُدْسِهِ وَ تَكُونُوا أَعَزَّ أَوْلِيَائِهِ عِنْدَهُ هَيْهَاتَ لَا يُخْدَعُ اللَّهُ عَنْ‏ جَنَّتِهِ وَ لَا تُنَالُ مَرْضَاتُهُ إِلَّا بِطَاعَتِه‏.»[[12]](#footnote-12)

فساد آشکار شده است اما کسی نیست که آن را تغییر دهد و باز‌دارنده‌ای نیست که آن را باز دارد. آیا این‌گونه می‌خواهید در منزل‌گاه قدس الهی با خداوند مجاور و همنشین شوید و از عزیزترین اولیای او به حساب آیید؟ هرگز! خداوند را در مورد بهشتش نمی‌توان فریب داد و جز با اطاعت نمی‌توان رضای او را به دست آورد.

پرورش احساس

در حکایتی که فضل بن أبی قره از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند، اینچنین آمده است:

خداوند متعال به حضرت إبراهیم (علیه السلام) وحی نمود که به زودی فرزندی از برای تو متولد خواهد شد. آن حضرت نیز این خبر را به گوش همسرش ساره رسانید. اما از آنجایی که ساره در ایام پیری و یأس از فرزند به سر می‌برد، با حالت انکار نسبت به این پیام الهی، گفت: آیا از من فرزندی متولد خواهد شد، در حالی که پیرزن هستم؟!!

سپس خداوند به حضرت ابراهیم وحی نمود که به زودی از ساره فرزندی متولد خواهد شد، و فرزندان و نسل او بخاطر این انکارش نسبت به کلام من، به مدت چهارصد سال دچار عذاب و سختی خواهند شد.

امام فرمودند: زمانی که طول مدت عذاب و سختی (از ناحیه‌ی فرعونیان و حکومت‌های ستگر) بر بنی اسرائیل گران آمد، چهل صبحگاه به درگاه خداوند ضجه و مویه نمودند و خداوند متعال نیز (در فرستادن حضرت موسی و هارون (علیهما السلام) که ناجی بنی اسرائیل بودند، تعجیل نموده و) به آنها وحی نمود که قوم بنی اسرائیل را از چنگال فرعون نجات دهید. این در حالی بود که هنوز یکصد و هفتاد سال از (آن چهارصد سال) عذابِ قوم بنی اسرائیل باقی مانده بود، اما خداوند متعال آن را عفو کرد.

سپس امام فرمودند: شما شیعیان نیز اگر اینگونه کنید، خداوند برای ما اهل بیت (و شما) گشایش ایجاد می‌کند، و در غیر این صورت، کار تا پایانِ آن پیش خواهد رفت (و تمام طول زمانی که در علم خداوند برای این عذاب و سختی مقدر شده است، سپری خواهد شد تا بالاخره فرج از راه برسد.) [[13]](#footnote-13)

رفتار سازی

از حکایتی که خدمتتان نقل کردیم اینگونه برداشت می‌شود که می‌توان با برخی عوامل از جمله دعای مصرّانه و عاجزانه به درگاه خداوند متعال، طول غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را کاهش داده و ممکن است ظهور آن حضرت با تعجیلی غیر منتظره و عظیم مواجه شود.

اما سؤال اصلی در زمینه‌ی انتظار آن است که وظایف اصلی شیعیان و منتظران حضرت در دوران غیبت چیست و چه عواملی بیش از هر چیز می‌تواند در مقدمه‌چینیِ ظهور آن حضرت دخالت داشته باشد؟

با نگاهی به احادیث، می‌توان برخی از مهم‌ترین عوامل را اینگونه برشمرد:

1. دفع فساد و دعوت به دین الهی:

از آنجایی که لازمه و مقدمه‌ی اصلی برای هر حکومتی، پذیرش آن حکومت از ناحیه‌ی مردم می‌باشد، بنابراین لازم است تا در زمان غیبت، با جلوگیری از فساد در جامعه اسلامی و نشر فرهنگ و معارف اهل بیت (علیهم السلام) در میان مسلمانان و حتی مردمِ تمام دنیا، آنان را با محاسن و زیبایی‌های آیین حق آشنا نموده و در مقام عمل، به همگان نشان دهیم که بهترین برنامه‌ی زندگیِ بشر، برنامه‌ای دینی و بر مبنای اسلام ناب و راستین می‌باشد که با رهبری افرادی متقی و پارسا در جهان اجرا گردد. از این طریق عقول مردم رشد پیدا کرده و آماده‌ی پذیرش حکومت الهی در زیر پرچم مقدس امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند شد.

در حدیثی از امام سجاد (علیه السلام) می‌خوانیم: «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ‏ أَفْضَلُ‏ أَهْلِ‏ كُلِ‏ زَمَانٍ‏ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقّاً وَ شِيعَتُنَا صِدْقاً وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرّاً وَ جَهْرا.»[[14]](#footnote-14)

(همانا مردمِ زمان غیبت که معتقد به امامتِ امام قائم (علیه السلام) بوده و منتظر ظهورش باشند، برترین مردم در تمام زمان‌ها هستند، زیرا خداوند متعال به قدری از عقل و فهم و معرفت به آنها عنایت فرموده است که غیبت امام برایشان به منزله‌ی مشاهده و حضور امام است و آنها در آن زمان به مانند مجاهدین با شمشیر در نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشند، و ‌آنها مخلصین واقعی و شیعیان حقیقی و دعوت‌کنندگان به سوی دین خدا در پنهان و آشکارا هستند.)

بنابراین، یکی از ویژگی‌های اصلیِ منتظرین واقعی حضرت را، دعوت پنهان و آشکار به سوی دین خدا برشمرده‌اند.

1. دعا:

در توقیعی از ناحیه‌ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)‌ که به وسیله‌ی محمد بن عثمان، نایب حضرت دریافت شده است، اینچنین آمده: «وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ‏ الْفَرَجِ‏ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُم‏»[[15]](#footnote-15)؛ (و برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید، که همانا فرج شما در همین است.)

احادیث و حکایت‌های فراوانی وجود دارند که امر به دعا برای تعجیل در ظهور ایشان می‌نمایند، اما با توجه به حکایتی که در سابق نقل کردیم، و با توجه به مضمون آیه‌ی شریفه‌ی «أَمَّنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ»[[16]](#footnote-16)؛ (يا كسى كه دعاى مضطرّ را اجابت مى‏كند و گرفتارى را برطرف مى‏سازد، و شما را خلفاى زمين قرار مى‏دهد.) می‌توان گفت که شرط اصلی در دعا برای ظهور، حالت اضطرار و ناچاری در دعا کننده می‌باشد.

زیرا تا زمانی که مسلمین و یا شیعیان به تدابیر و سیاست‌های خودشان دل‌خوش باشند و گمان کنند که می‌توانند با اندکی تلاش و دقت و اصلاح در امور، ظلم حاکم بر جهان را از میان برداشته، و نظام جهان را اصلاح کرده و به جای زور و ستم، منطق و احترامِ متقابل را در میان مردم جهان حکم‌فرما سازند، هرگز خود را مضطر و محتاج به ظهور آن حضرت نمی‌بینند.

اما مؤمنین بصیر، پس از تلاش در راه دفع فساد از خود و سپس دفع فساد از جامعه‌ و تمام جهان، به این نتیجه می‌رسند که موفقیت آنها بسیار محدود بوده و توانایی اصلاح جهان را ندارند، از این رو با دلی شکسته و روحی پریشان، دست به دعا برداشته و ظهور مُصلح کل را از خداوند عالمیان درخواست می‌نمایند و چشم امیدشان فقط به وعده‌ی نُصرت الهی و قیام جهانی آن حضرت دوخته شده است.

به امید روزی که در همه جای عالم ندا دهند «لقد جاء المهدیّ (علیه السلام)» و دل مادرشان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با این مژده شاد گردد. إن شاء الله.

1. شیفتگان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ج 3، ص 158 [↑](#footnote-ref-1)
2. محمد بن حسن (شیخ حر عاملی)، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج 5، ص 81 [↑](#footnote-ref-2)
3. علی بن حسین بن بابویه (والد صدوق)، الإمامة و التبصرة من الحیرة، ص 21 [↑](#footnote-ref-3)
4. منسوب به جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام)،‌ مصباح الشریعة، ص 53 [↑](#footnote-ref-4)
5. کرامات الصالحین، ص 174 [↑](#footnote-ref-5)
6. از امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) منقول است که وقتی امام قائم (علیه السلام) قیام نماید، به سه چیز حکم می‌کند که تا پیش از آن سابقه نداشته. یکی از آنها، حکم به قتل فردیست که از پرداخت زکات امتناع می‌ورزد. (شیخ صدوق، الخصال، ج 1، ص 169) [↑](#footnote-ref-6)
7. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 520 [↑](#footnote-ref-7)
8. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج 1، ص 505 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره ص، آیه 35 [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره رعد، آیه 11 [↑](#footnote-ref-10)
11. محمد باقر المجلسی، بحار الأنوار، ج 53، ص 96 [↑](#footnote-ref-11)
12. محمد بن حسين شريف الرضى، نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: 187 [↑](#footnote-ref-12)
13. محمد بن مسعود (العیاشی)، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 154 [↑](#footnote-ref-13)
14. احمد بن علی (شیخ طبرسی)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 2، ص 318 [↑](#footnote-ref-14)
15. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 485 [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره نمل، آیه 62 [↑](#footnote-ref-16)